

کتاب الزکاة

زکات مال

- زکات بر چه کسی واجب است؟ (شرایط زکات دهنده):
  - بالغ و عاقل
  - آزاد
  - متمکن از تصرف
- اموالی که زکات بر آن واجب است (نه چیز در سه دسته):
  - انعام ثلاثة
  - تقدین (طلا و نقره)
  - غلات اربعة (گندم، خرما، جو، کشمش)

افرادی که زکات به آنها تعلق می گیرد (مستحق زکات هشت صنف اند لقوله تعالی: إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَ الْمَسْكِينِ).

- اول و دوم: فقیر و مسکین
- سوم: عاملون
- چهارم: مولفة القلوب
- پنجم: آزادی بردگان
- ششم: بدهکاران
- هفتم: فی سبیل الله
- هشتم: ابن السبیل

افرادی که زکات به آنها تعلق می گیرد و شرایط آن

شرایط مستحقین زکات

- اول: عدالت
- دوم: شیعه بودن

سوم: واجب النفقہ نبودن

پرداخت کننده زکات نمی تواند آنرا به واجب النفقہ خود تحت عنوان فقیر پرداخت کند اما تحت عناوین دیگر مانند بدهکار یا عامل بودن یا ابن السبیل می تواند

بلا خلاف فيه للأخبار منها: صحیح ابن الحجاج عن أبي عبد الله عليه السلام (قال: خمسة لا يعطون من الزكاة شيئا: الأب و الأم و الولد و المملوك و المرأة، و ذلك أنهم عياله و لازمون له)

صابطه این شرط این است که واجب النفقہ انسان تنها از سهم فقراء برای خودش نمی تواند استفاده کند اما از دیگر اصناف یا برای غیر خودش (مانند همسرش) می تواند زکات بگیرد

چهارم: هاشمی نبودن

هاشمی در صورت وجود خمس و زکات از مثل خود از کدام یک استفاده کند؟ مخیر است در استفاده از هر کدام هر چند استفاده از خمس افضل است چرا که زکات فی الجملة (اگر از غیر مثل باشد) اودگی است

هاشمی نمی تواند زکات دریافت کند مگر در دو مورد

اول: از مانند خود (هاشمی) زکات دریافت کند اگر چه نسبشان متفاوت باشد

دوم: خمس برای مخارج او کافی نباشد که در این صورت به اندازه نیاز از زکات مصرف کند

بلا خلاف فيه للأخبار منها: خير إسماعيل بن الفضل ( الهاشمي عن أبي عبد الله عليه السلام (عن الصدقة التي حزمت على بني هاشم ما هي؟ فقال: هي الزكاة، قلت (فحلل صدقة بعضهم على بعض؟ قال: نعم

افرادی که زکات را باید به آنها تحویل داد

در زمان حضور: در صورت طلب امام یا مأمور جمع آوری باید (به آنها تحویل داد چرا که اطاعت از امام واجب است مطلقا در همه کارها).

لأن طلبه واجب الطاعة يقول الله تعالی: أطيعوا الله و أطيعوا الرسول و أولي الأمر منكم

نکته: حکم کسی که مخالفت امام یا فقیه کند و خود زکات را به مستحق آن برساند چیست؟ زکات او مجزی و مکفی نیست چرا که نهی در عبادت موجب فساد است و در این صورت مالک می تواند زکات را از گیرنده آن باز پس گیرد البته اگر عین مال باقی باشد و الا مثل یا قیمت آنرا پی بگیرد اگر قایض علم به فساد این زکات داشته است

در زمان غیبت: قبیل واجب است تحویل دادن زکات به فقیه شرعی اگر او یا وکیلش زکات را طلب کنند چرا که نائب امام مانند مأمور جمع آوری است بلکه بالاتر از اوست

نکته: در زمان غیبت دو صنف از اصناف هشتگانه تحقق ندارند عامل و مولفة قلوبهم مگر برای کسی که احتیاج به این دو داشته باشد مانند فقیه که در صورت بسط ید احتیاج به نصب ساعی دارد و فقیه و غیر فقیه که در زمان جهاد احتیاج به تألیف قلوب دارند

نکته: سزاوار است که زکات چهارپایان به مستحق آبرومند داده شود و زکات تقدین و غلات به دیگران به دلیل روایتی که امام صادق در آن چنین استدلال فرموده اند که افراد آبرومند از مردم حیا می کنند پس به آنها باز ریش تر نزد مردم داده شود

{چرا که امر به شیء مقتضی نهی از ضد خاص آن است و نهی غیر صریح} در عبادت مقتضی فساد است

العواد من «النهی» هو المفهوم من الأمر بإطاعة الإمام عليه السلام و نالیه الذي يقتضی النهی عن ضده، و النهی في العبادات یوجب فسادها إذ معلق النهی بنفس العبادات لا الخارج منها (الجواهر).

كما عن الشيخ في المبسوط للنهی للمفسد للعبادة، و قال العلامة في التذكرة بالجواز لأنه دفع المال إلى مستحقه فخرج عن العهدة و إن أتم بمخالفة أمر الإمام عليه السلام

شیخ طوسی سهم مولفة قلوبهم را بعد رحلت پیامبر ساقط کرده به دلیل بطلان تألیف قلوب بعد حضرتش و هو ضعیف

لا یوجد نص علی سقوط سهم السعاة في زمن الغيبة و لذا جزم الشهيد في الذروس ببقائه في زمن الغيبة مع تمكن الحاكم من نصب العاملين و جبايتها فیجوز له إعطائهم سهم العاملين حينئذ

همچنین سزاوار است به کسی که حیا می کند از قبول زکات آنرا به صورت هدیه بدهند و هنگام تحویل نیت زکات شود

( لخبر عبد الله بن سنان عن أبي عبد الله عليه السلام أن صدقة الخف و الظلف تدفع إلى المتجملين من المسلمين، و أما صدقة الذهب و الفضة و ما کیل بالقبیز مما أخرجت الأرض للفقراء الموقعین، فقلت: کیف صار هذا هكذا؟ فقال: لأن هؤلاء متجملون یستحیون من الناس (فیدفع إليهم أجمل الأمرین عند الناس

لخبر أبي بصير (قلت لأبي جعفر عليه السلام: الرجل من أصحابنا یستحیی أن یأخذ من الزكاة فأعطیه من الزكاة و لا أسمع له أنها من الزكاة، فقال عليه السلام: أعطه و لا تسع و لا تذلل المؤمن